

حقانی‌ها و تلاش برای تطهیر دستان خون‌آلود خویش

بسم الله تابان¹

سراج‌الدین حقانی، رهبر کنونی شبکه حقانی، یکی از پایه‌های اصلی رژیم طالبان و از چهره‌های مخوف در آموزش و استفاده از افراد انتحاری به‌عنوان سلاح کشنده جمعی بر ضد مردم افغانستان طی دو دهه گذشته است. او در تقسیمات درونی طالبان که تحت عنوان وزارت‌ها تنظیم شده، به‌حیث سرپرست وزارت امور داخله تعیین گردیده است.

پیشینه‌ی خانوادگی

خانواده حقانی سابقه طولانی در روند جهادگرایی در افغانستان دارد. پدر او، جلال‌الدین حقانی، از فرماندهان مشهور جنوب شرق کشور، به‌ویژه در ولایات خوست، پکتیا و پکتیکا (که گاهی این حوزه به‌نام لوی پکتیا یاد می‌شود)، در چوکات حزب اسلامی مولوی یونس خالص فعالیت شدید علیه نیروهای اتحاد جماهیر شوروی سابق و دولت مورد حمایت آن در کابل داشت.

جلال‌الدین حقانی خود را پیرو طریقت تصوف نقشبندی معرفی می‌کرد و با یکی از علمای این طریقه، مشهور به ضیالمشایخ قلعه جواد، بیعت نموده بود. بر اساس توصیه او وارد جهاد شد. جلال‌الدین در قریه سرانی ولسوالی وزی ولایت پکتیا متولد شد و از قبیله زدران، شاخه میزایی و سلطان خیل می‌باشد.



حقانی تحصیلات دینی خود را در مدرسه مذهبی حقانیه در اکوهر ختک، که در میان علمای مذهبی اهل سنت به‌ویژه در افغانستان و پاکستان به «دیوبند ثانی»

معروف است، فراگرفت. پیش از آن نیز در مدارس مختلف مذهبی در ولایات غزنی، پکتیا، پکتیکا و خوست درس خوانده بود.

جلال‌الدین در جریان جهاد بارها به عربستان سعودی سفر کرد. او در این سفرها، که ظاهراً به قصد حج (بنا به اطلاعات موجود وی دست کم 30 بار حج نموده بود) انجام می‌شد، با مقامات استخباراتی کشورهای غربی و سرایان عرب دیدار نموده و حمایت مالی و تسلیحاتی برای مبارزه علیه دولت وقت افغانستان و نیروهای شوروی جلب می‌کرد. استفاده از «دیپلماسی حج» به‌عنوان پوشش دیدارهای سیاسی و استخباراتی از تاکتیک‌های ثابت شبکه حقانی تا امروز است.

جلال‌الدین دو ازدواج داشت؛ یکی با زنی افغان و دیگری با زنی یمنی. حاصل این ازدواج‌ها چندین پسر و دختر است. پسران او — سراج‌الدین حقانی، عبدالعزیز حقانی (که اکنون از چهره‌های مهم در استخبارات طالبان در کنار تاجمیر جواد است)، بدرالدین حقانی (کشته‌شده در ۲۰۱۲ در وزیرستان)، عبدالله انس حقانی، و نصیرالدین حقانی (کشته‌شده در ۲۰۱۳) — همگی مانند پدر در مدارس مذهبی آموزش دیده و حیات شبکه حقانی را به‌عنوان یک گروه افراطی تداوم بخشیده‌اند.

¹ دانشجوی مقطع دکترا مطالعات امنیتی در دانشکده علوم سیاسی و اداره عامه دیپارتمنت مطالعات امنیتی دانشگاه JU. تابان از سال 2002-2021 با شمولیت در پولیس ملی افغانستان در سمت‌های مختلف از جمله ریاست عمومی مبارزه با جرایم جنایی وزارت داخله ایفا وظیفه نموده است. وی را می‌توانید در این آدرس نیز پیدا کنید <https://orcid.org/0009-0004-2438-1060>

همه چیز جز تصوف

با وجود بیعت ظاهری خانواده حقانی با طریقت نقشبندی و استفاده از عنوان «خلیفه» برای سراج الدین، عملکرد این گروه در دوران جهاد و پس از آن در تضاد کامل با ارزش‌های تصوف بوده است. سراج الدین حقانی خود اعتراف کرده که دستکم ۱۰۵۰ انتحاری را برای حمله بر کسانی که او «کافر» می‌خواند، دعا داده است. مفهوم «دعا دادن» در اینجا به معنای اعزام افراد به مأموریت انتحاری است — سفری یک‌طرفه بدون بازگشت. حتی اگر ده درصد از این عملیات توسط نیروهای امنیتی افغانستان یا بین‌المللی خنثی شده باشد، بقیه این انتحاری‌ها با انفجار دادن خود، صدها شهروند بی‌گناه را به خاک و خون کشانده‌اند.

سراج الدین حقانی که هوادارانش در شبکه‌های اجتماعی او را با القاب «ستر صوفی- صوفی بزرگ» و «ستر مجاهد- مجاهد بزرگ» می‌ستایند، از هر فرمانده دیگر طالبان دستش بیشتر به خون مردم افغانستان آغشته است. او در واقع نسبت به خشونت و قساوت «واکسینه» شده است؛ زیرا کشتار بی‌رحمانه برای او به رفتاری عادی بدل گشته است. او دیگر دل‌اش نمی‌لرزد اگر دستور دهد به شفاخانه نسایی ولادی در غرب کابل حمله شود و کودک تازه متولد شده با برچه تفنگ ذبح شود!

در دوران جمهوریت، شبکه حقانی مسئول بسیاری از مرگبارترین حملات تروریستی بود: از انفجار تانکر پر از مواد انفجاری در چهارراهی زنبق که ده‌ها تن را کشت، تا حمله بر دانشگاه کابل، شفاخانه دشت برچی، میدان ورزشی در ولسوالی یحیی خیل پکتیکا، و حملات بر هوتل کانتیننتال و خبرنگاران. حتی در حمله بر هوتل کانتیننتال، حقانی مدعی شده بود که «حضرت مُجَد» رهبری آن را برعهده داشت — ادعایی که عمق انحراف فکری او را نشان می‌دهد.

تصحیح تصویر

با این حال، پس از به قدرت رسیدن طالبان — که بسیاری آن را نتیجه معامله سیاسی میان امریکا و این گروه می‌دانند — سراج الدین حقانی تلاش کرده است تا ضمن قدرت‌گیری زیاد، خود، خانواده و شبکه‌اش را چهره‌هایی میانه‌رو، دلسوز و فرهنگ‌دوست معرفی کند. او می‌کوشد با حضور در محافل فرهنگی، ورزشی و رسانه‌ای، گذشته خونین خود را پنهان سازد.

رهبری شبکه حقانی اعضای خانواده خود را در بخش‌های مختلف برای گسترش نفوذ شان تقسیم کرده‌اند. خلیل الرحمن حقانی، کاکای سراج الدین، تا زمان زنده بودن در تلاش بود شبکه‌ای از جهادی‌های سابق از اقوام مختلف را گردآورد و نفوذ خود را گسترش دهد؛ همان‌گونه که جلال الدین حقانی در سال‌های ۱۳۶۹-۱۳۷۰ «شورای سراسر قوماندانان جهادی» را تشکیل داد و در خوست و بدخشان جلسات متعددی با حضور صدها قوماندان برگزار نمودند و سقوط ولایت خوست و واخان بدخشان را دست آورد این شورا عنوان می‌کنند.

انس حقانی، که نام اصلی‌اش عبدالله ولی مشهور به انس است، بدون داشتن مسئولیت رسمی، در عمل یکی از چهره‌های بانفوذ وزارت داخله طالبان و شبکه حقانی است. او به منابع مالی گسترده از جمله بودجه اپراتیفی این وزارت دسترسی دارد و مأمور شده تا با نسل جوان و حلقات مدنی در تماس باشد. انس محافل مشاعره برگزار می‌کند (با وجودی که رهبر طالبان، هیبت‌الله آخندزاده، با صدور فرمان محدودیت جدی به سرایش شعر وضع کرده است)، با تیم کرکت، بزکشی، فوتبال و فوتسال دیدار می‌کند و از طریق روابط نرم و دوستانه، در پی نفوذ در میان خبرنگاران و فرهنگیان است.

گفته می‌شود او با استفاده از پول و در مواردی فشار و تهدید، نفوذ خود را در حلقات مدنی و فرهنگی گسترش داده است. برای نمونه، با مداخله او هلیکوپتری برای انتقال جنازه مطیع‌الله تراب، شاعر مطرح پشتون‌بان، از خوست به جلال‌آباد اختصاص یافت، وسایط و محافظان ویژه برای برخی از خبرنگاران، تحلیلگران و بازیکنان کرکت فراهم گردیده است.

پس از مرگ خلیل الرحمن حقانی، ابراهیم حقانی — برادر او — مأموریت ارتباط با جهادی‌های نسل قدیم به‌ویژه در حوزه جنوبی و جنوب‌شرقی را بر عهده گرفت.

در همین حال، سراج الدین حقانی که تازه از فهرست پاداش وزارت عدلیه ایالات متحده امریکا حذف شده است، همچنان تلاش دارد چهره‌ای نرم از خود نشان دهد. او با دعوت از برخی شاعران و صوفیان به اقامتگاه شخصی‌اش، می‌کوشد تصویری از «رهبر معنوی» ارائه کند، اما در عمل از خشونت و تفکر انتحاری فاصله نگرفته است. او برای نخستین انتحاری گروه خود زیارت ساخته و با خانواده‌های انتحاری‌های گذشته دیدارهای پیمه دارد، برای‌شان پول و زمین توزیع می‌نماید.

کندک انتحاری هنوز فعال است

در وزارت داخله تحت رهبری حقانی، یک کندک ویژه از انتحاریان فعال است. گزارش‌ها نشان می‌دهد که این افراد معاش و امکانات بهتری نسبت به دیگر نیروهای وزارت دارند. دو چهره مهم این بخش، علی‌انس (ملقب به استاد فداییان) و مولوی محمدامین جان (مشهور به فتح‌الله)، از طراحان و آموزگاران انتحار در دوره جمهوریت نیز بوده‌اند و اکنون با رتبه‌های مل‌پاسوالی و پاسوالی در قوماندانی‌های خاص این وزارت فعالیت دارند. اکنون نیز نزد سراج الدین حقانی دارای منزلت ویژه بوده و دسترسی دایم به رهبر شبکه حقانی دارند. این دو وقتی در شهر کابل و یا ولایات سفر می‌نمایند با کاروان از افراد ویژه طالبان همراهی می‌شوند.

سراج‌الدین حقانی به ندرت در دفتر کارش در وزارت داخله حاضر می‌شود. اداره وزارت عملاً در دست ذین‌الله عابد (رئیس دفتر او)، مولوی مُجذبی عمری (معاون اول وزارت) و انس حقانی است که با وجود نداشتن مسئولیت رسمی، نفوذ گسترده دارد قرار دارد. در دو سال نخست رژیم طالبان، سراج‌الدین به همه ولایات سفر کرد و در جریان این سفرها، افزون بر دیدار با ادارات محلی، با گروه‌های مختلف از مردم — به‌ویژه مجاهدین سابق — ملاقات نموده و پول نقد میان آنان توزیع کرده است.

در حال حاضر، تمرکز سفرهای او بر منطقه لوی پکتیا و ولایت لوگر است. او در ولسوالی‌ها و قریه‌جات این مناطق مصروف تطبیق پروژه مهم به نام "مدرسه‌سازی" و "یتیم‌خانه‌سازی" است که در واقع نقش مراکز سربازگیری و آموزش نیروهای جدید مطابق با سیاست‌های شبکه حقانی را دارند. یتیم‌خانه‌ها/ دارالایتام زیر نظر قاری سعید خوستی، از نزدیکان سراج‌الدین، اداره می‌شوند و جذب شاگردان عمدتاً از خانواده‌های انتحاری‌های پیشین صورت می‌گیرد.

در عرصه مالی نیز شبکه حقانی با مدیریت «حاجی مالی» که فعلاً در وزارت دفاع طالبان کار می‌کند، منابع قابل‌توجهی در اختیار دارد. پول‌شویی، قاچاق مواد مخدر، جرایم سازمان‌یافته، و انتقال کالا از پاکستان به افغانستان — به‌ویژه از گذرگاه‌های انگوراده و غلام‌خان — از منابع عمده درآمدی آنان است. حقانی همچنین سهم قابل‌توجهی از استخراج غیرقانونی معادن، به‌ویژه زغال‌سنگ، دارد.

با توجه به این واقعیت‌ها، تلاش سراج‌الدین حقانی برای نمایش چهره‌ای مثبت از خود، از طریق مهمانی‌های پر سروصدا برای تیم‌های کرکت، بزرگشی و فوتسال، یا دیدار با خبرنگاران و فرهنگیان، تلاشی برای تطهیر گذشته خونین خویش است. او در سخنرانی‌هایش بارها مخالفان سیاسی را با لحنی نرم دعوت به بازگشت کرده و وعده مصئونیت داده است، اما شواهد فراوان نشان می‌دهد که بیشتر بازداشت‌ها، شکنجه‌ها و انتقامجویی‌ها از نیروهای امنیتی و دفاعی پیشین توسط اعضای شبکه حقانی انجام شده است.

زنان و دخترانی که برای حق خود اعتراض کردند، بیش از همه از سوی وزارت داخله تحت رهبری او بازداشت و شکنجه شده‌اند. ساختمان که در دوره جمهوریت برای کودکان در قراگاه وزارت داخله ساخته شده بود، بارها به زندان موقت برای ده‌ها زن معترض تبدیل گردیده است. محل که زنان و دختران در آن شکنجه، تحقیر، توهین و بازجویی غیر انسانی شدند. البته این بمعنی کاهش نقش نهاد استخبارات این گروه به ویژه نقش تاجمیر جواد — یکی از چهره‌های مرموز و خشن شبکه حقانی — در سرکوب معترضان نیست.

در نهایت، هرچند رهبران شبکه حقانی و حامیان فکری طالبان می‌کوشند چهره این گروه را در افکار عمومی تطهیر کنند، شواهد تاریخی و عملکرد کنونی نشان می‌دهد که چهره سراج‌الدین حقانی با چنین نمایش‌های تبلیغاتی هرگز پاک نخواهد شد. سهم او در ستم و خشونت کنونی افغانستان کمتر از شاخه قندهاری طالبان به رهبری هیبت‌الله نیست و تا زمانی که در یک محکمه عادلانه بین‌المللی پاسخگو نگردد، خون‌های ریخته‌شده هرگز از دستان او شسته نخواهد شد.

نوت: می‌توانید متن اصلی مقاله را در لینک ضمیمه مطالعه کنید: <https://www.etilaatroz.com/244836/the-haqqani-network/>

Get more e-books from www.ketabton.com
Ketabton.com: The Digital Library